



بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان - 16 دی/ 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا من هم میلاد بانوی بزرگ تاریخ بشر و برجسته‌ترین زن شناخته شده در هم‌همی عمر انسانیت، حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به شما خانمها و هم‌همی زنان کشورمان و به زنان مسلمان و هم‌همی امت اسلامی تبریک عرض می‌کنم. خداوند ان شاء الله به هم‌همی ما توفیق بدهد که بتوانیم پیروان خوبی برای آن بزرگوار و خاندان پاک ایشان باشیم. اولاد آن حضرت، ائمه و پیشوایان ما هستند؛ ان شاء الله که ما مأمومان خوبی برای آن بزرگواران باشیم. مسأله‌ی زن، که موضوع کار جمع خانمهای حاضر است و شما اندکی از مباحث مربوط به زن را بیان فرمودید، مسأله‌ی بسیار مهمی است. البته بعد از انقلاب در کشور ما، وضع زن به عنوان عضوی از جامعه و همچنین به عنوان کسی که صاحب وظایف زنانه است - وظیفه‌ی مادری و همسری و امثال اینها - خیلی بهتر از گذشته است. هر چند در گذشته، برخی از زنان کشور - نه اکثریت آنها - از جنبه‌ی شخصی - نه از آن دو جنبه‌ی که اشاره کردم - شاید وضعیتشان بد نبود و زنان خاصی، از مقداری از تنعمات عمومی جامعه برخوردار بودند؛ لیکن مسأله‌ی شخصی برای زن، مسأله‌ی درجه‌ی یک نیست. اگر ما به ابعاد زندگی زن نگاه کنیم، واقعا مهمترین جهات و حیثیات وجود او، آن مسایل شخصی محض نیست.

شخصیت اجتماعی زن به عنوان عضوی از این مجموعه‌ی عظیم، خیلی حایز اهمیت است. زنان در گذشته، اصلا به این بخش توجهی نداشتند و اهمیتی نمی‌دادند. در مسؤولیت‌های عمومی جامعه، نقشی برای زنان فرض نمی‌شد؛ خودشان هم نقشی را فرض نمی‌کردند؛ بخصوص در این سطح وسیعی که امروز مطرح است. الان شما ملاحظه کنید، هم‌همی زنان روستاها و شهرهای دورافتاده، به عنوان افرادی از مجموعه‌ی نگهدارنده‌ی این انقلاب و اصحاب و صاحبان آن، برای خودشان شأن قایلند. از این جهت، هیچ فرقی بین زن و مرد نیست؛ بلکه گاهی زنان، ایمان پرشورتر و دید روشنتری نسبت به مسایل جامعه دارند و کشور و مسایل آن را متعلق به خودشان می‌دانند. چه زمانی چنین احساسی در بین زنان ما، آن هم در چنین سطح وسیعی از جامعه وجود داشت؟ این، به برکت انقلاب است. همان حالت خودآگاهی و احساس شخصیت اجتماعی که در مردان به وجود آمده است، می‌توان گفت که در زنان با جست بیشتر به وجود آمده است. قبلا هیچ نبوده؛ ولی حالا به میزان خیلی بالایی هست. همچنین آن جنبه‌ی مشاغل و شؤون خاص زنانه و قدر مادر و همسر بودن را دانستن، از جمله چیزهایی است که به آن توجه شده است.

در این دو، سه دهه‌ی قبل از انقلاب، به خاطر ورود فرهنگ‌های اروپایی، بنیان خانواده متزلزل شده بود؛ یعنی حقیقتا خانواده، آن اصالت و ارزش و عظمتی را که در اسلام و فرهنگ سنتی ما دارد، دیگر نداشت. وقتی خانواده هست، همسر و مادر عضو اصلی است. زن در این مجموعه، جای بسیار اساسی و رفیعی دارد. به همین خاطر، وقتی اصل خانواده - یعنی زن - زیر سؤال و متزلزل است، در آن جا هیچ چیزی در جای خودش قرار ندارد. اینها بحث‌هایی است که واقعا باید روی آنها خیلی تأمل و تدقیق بشود.

اسلام، چه تأملات صحیح و چه راهنمایی‌های ارزشمندی در مورد این مسایل دارد. این چیزی است که انقلاب به زنان جامعه‌ی ما اعطا کرد و آنها را در صحنه‌ی جهاد، سیاست و تأثیر در سازندگی اساسی کشور - که همان سازندگی انقلاب است - وارد نمود. این، چیز خیلی مهمی است و جز با صدر اسلام، با هیچ وقت دیگر قابل مقایسه نیست.

آنچه که در گذشته، در فرهنگ‌های شرقی و غربی و ایرانی و غیر ایرانی، بر زنان رفته است، لزومی ندارد که من آنها را تکرار کنم؛ بر هم‌همی شما معلوم است. اسلام واقعا حیات دوباره‌ی به زن بخشید؛ منتهای مراتب، نکته‌ی که شما



هم اخيرا به آن اشاره کردید، نکته‌ی مهمی است و من همیشه روی آن تکیه دارم. آن نکته این است که با وجود همه‌ی اینها، زن در جامعه‌ی ایرانی ما، نه از لحاظ حقوق اجتماعی، نه از لحاظ تمکن و قدرت تصرف فردی، نه از لحاظ قوانینی که به اینها ارتباط پیدا می‌کند، هنوز در آن حد و سطحی که اسلام خواسته است، قرار ندارد. بر بخشی از جامعه‌ی ما، اخلاق بدی نسبت به زن حاکم است، که البته مخصوص ایران هم نیست. اگر آدم نگاه کند، می‌بیند که متأسفانه در طول تاریخ، همواره یک ستم تاریخی بر زن رفته است؛ که بیشتر هم ناشی از این است که قدر زن و جای او را ندانسته‌اند. البته هر جای دیگر چنین بوده، به هر شکلی بوده و هست، به ما ربطی ندارد؛ ولی در جامعه‌ی ما بایستی به آن شکلی باشد که اسلام خواسته است. زن باید شأن حقیقی خودش را پیدا کند و نبایستی به خاطر زن بودن، هیچ ستم و ظلمی به او بشود. این، چیز بسیار بدی است. چه ستمهایی که در حق زن روا داشته شده و اسمش ستم است، و چه ستمهایی که اسمش هم ستم نیست، اما در حقیقت ستم است؛ مثل همین سوق دادن به تجمل و مصرف‌گرایی و آرایشهای بیهوده و مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک وسیله‌ی مصرف. این، ستم بزرگی بر زن است. شاید بشود گفت که هیچ ظلمی بالاتر از این نیست؛ زیرا که او را بکلی از آرمانها و اهداف تکاملی خودش غافل و منصرف می‌کند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم می‌نماید. این، کاری بوده که در رژیم ظالم پادشاهی انجام شده، و حالا باید جلوی آن گرفته می‌شد. البته در اوایل انقلاب، خیلی هم خوب بود؛ لیکن بعدها باز غفلتهایی شده است، که باید نسبت به آن، حسابی برنامه‌ریزی کرد. اسلام نسبت به زن و مرد و همه‌ی خلایق، یک دید واقع‌بینانه و متکی بر فطرت و طبیعت و نیازهای حقیقی دارد؛ یعنی از هیچ‌کس بیش از تمکنش و بیش از آن چیزی که به او داده شده است، توقعی ندارد. اصلاً بنای اسلام بر این است؛ یک بنای واقعی و منطقی است. در دعای سحرهای جمعه، فقره‌ی است که بیان می‌کند: "و جعل ما امتن به علی عباده فی کفاء لتأدیه حقه"; یعنی آن چیزی که خدای متعال منت گذاشته و به کسی داده، در حد کفایت است، برای این که حقوق الهی را ادا کند. اصلاً شناخت واقعیات هر کس، متناسب با همان توقعی است که از او وجود دارد.

پس، اسلام به نیازها و خواهشها و طبایع بشری و غیربشری اهتمام ورزیده، اصلاً به آنها نظر کرده و حکم الهی را داده است؛ اما به معنای آن نیست که آرمانی برای انسانها ندارد. ما محکوم و اسیر زندان طبیعتیم و در چارچوب قوانین طبیعت حرکت می‌کنیم؛ اما آیا در این چارچوب که ما حرکت می‌کنیم، هدفی در مقابل ما نگذاشته‌اند که بگویند باید به این سمت حرکت بکنید؟ آرمانگرایی در اسلام و گرایش به سمت قله‌ها و اوجها و آرمانها، یک چیز قطعی و حتمی است. زن مثل مرد و مثل همه‌ی خلایق، باید در این سمت حرکت کند. این، با گرایشهای غلیظ و در لاک چیزهای صدرصد شخصی و بی‌ارزش رفتن نمی‌سازد. البته در نظام اسلامی، بایستی آنها ریشه‌کن بشود. این گرایش به مصرف‌گرایی و امثال آن، که در جوامع جاهلی رشد داده می‌شود، باید در جامعه‌ی اسلامی ریشه‌کن می‌شد، یا لااقل در حد متوسطی قرار می‌گرفت و افراطی در آن نمی‌شد؛ اما متأسفانه الان ملاحظه می‌شود که قشرهایی از مردم، باز سرگرم همان سرگرمیهای گذشته‌اند، که باب جوامع دور از اسلام و دور از معنویت و حقیقت است. این، غلط است. آن چیزی که من می‌خواستم عرض بکنم، این است که هر نقصی که در وضع زن در جامعه‌ی ما وجود داشته باشد، علاجی دارد؛ چون اسلام نسبت به زن، دید شامل و کامل و جامعی دارد. باید راههای علاج را پیدا کرد. آن روزی که شورای فرهنگی، اجتماعی زنان تشکیل می‌شد، دقیقاً به همین نکات نظر بود. در آن جمع، جناب آقای احمدی و دیگر برادران هم شرکت داشتند. ما باید امروز ببینیم که زنان برای حرکت در آن مسیر مطلوب اسلام برای زن، به چه ابزار قانونی احتیاج دارند، چه تفکرات و تأملاتی بایستی انجام بگیرد، چه راهنماییهایی باید بشوند، چه مراکز هدایتی باید به وجود بیاید؛ آن را بایستی برایشان فراهم کنیم و تدارک ببینیم. البته بایستی مرکزی باشد که این



تدارکها و پشتیبانهای معنوی را تدبیر و اداره و دنبال کند - منظورم پشتیبانهای مادی نیست؛ در پشتیبانها مادی، همه با هم شریکند - آن مرکز، همین شورای فرهنگی، اجتماعی زنان است که شما خانمها عضو آن هستید. شما بایستی نسبت به این مسأله، فکر و تأمل کنید. با مجلس و دولت هم که رابطه دارید. بعلاوه، خود شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوباتی را که لازم الاجراست، می‌گذرانند. از اوایلی که این شورا تشکیل شد، حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) تصریح فرمودند که مصوبات این جلسه باید اجرا بشود. اصلاً این مجموعه‌یی که شما خانمها تشکیل داده‌اید، وصل به آن مرکز است؛ باید جدي فکر کنید و ببینید مشکلات زنان چیست. البته منظور، این مشکلات کوچک عمومی که باید در بخشهای مختلف اداری برطرف بشود - مثل مشکل بیمه و امثال آن - نیست. اینها چیزهایی نیست که مجموعه‌ی خاصی به آنها رسیدگی کند.

شما باید ببینید، زن به جهت زن بودن، چه تکالیفی دارد و برای تحمل این تکالیف، احتیاج به چه هدایتهایی دارد؛ چه توصیه‌هایی باید به زنان بشود و چه قوانینی لازم است، برای این که آنها از حقوق اجتماعی و انسانی خود برخوردار بشوند؛ چه سازمانهایی احیاناً باید به وجود بیاید که بخشی از کارها را به عهده بگیرد. شما اینها را بررسی کنید؛ آن وقت به دستگاههای مختلف - مثل مجلس، یا شورای عالی انقلاب فرهنگی - توصیه کنید، تا مصوبه بگذرانند و این کارها انجام بگیرد. وقتی ما این مجموعه را نداشتیم، نداشته‌ایم؛ ولی حالا که داریم، بایستی خیلی کار و حرکت بکند.

به نظر من، اهمیت این کاری که امروز خانمها دارند، از اهمیت مشاغل معمولی آنها در سطح کشور کمتر نیست؛ بلکه از اغلب آنها بیشتر است. بله، شما همین سؤال را مطرح بکنید که چرا زنان مسؤولیتها و مدیریتهای کلیدی ندارند؟ این سؤال قابل قبولی است. چنانچه صلاحیتهای خوبی در زنان هست - نه این که ما تعصب بورزیم و بگوییم باید حتماً زن در جایی مسؤول شود - آن جاهایی که منع اسلامی ندارد - چون در جاهایی ممکن است منع اسلامی داشته باشد - تا سطوح بالا را شامل می‌شود. وقتی در این نوع موارد می‌خواهند بررسی کنند و کسانی را به عنوان اصلح انتخاب نمایند، زنان را هم در کنار مردان و بین این مجموعه ببینند و بدون هیچ‌گونه تعصب، اصلح را انتخاب کنند. البته این، یک عرف و یک فرهنگ است. این‌طور چیزها، دستوری هم نیست که بخشنامه صادر کنیم. نه، اینها جزو فرهنگ و باورهای جامعه است. باید این قدر گفته بشود، این قدر تکرار و استدلال بشود، تا این که جا بیفتد.

به نظر من، آن چیزی که امروز مجموعه‌ی شما و هر مجموعه‌یی از زنان - که در شکلها و با هدفهای مختلف کار می‌کنند - برعهده دارند، این است که باور غلطی را که فرهنگ غربی و اروپایی در این دهها سال اخیر در ذهن زن ایرانی وارد کرده است، بزداید. البته باور غلطی هم در گذشته بوده است؛ یعنی گرایش به برخی از شکلهای غلط مصرف و تجمل، از گذشته هم وجود داشته است. با ورود فرهنگ اروپایی، این مدگرایی و نوگرایی در مصرف، به شکل عجیبی تشدید شد. این، محاسبه شده و پیش‌بینی شده بود. سردمداران سیاستهای غربی - که غالباً صهیونیستها و استعمارگران بودند - به قصدی و با نیتی این کار را کردند. این باورهای غلط را باید بزداید؛ و این نمی‌شود، مگر با ارایه‌ی بحثها و کارهای اسلامی. اگر این کار بشود، ریشه‌ی این مشکلاتی که گاهی اوقات مطرح می‌شود - بدحجابی و رواج فساد و فحشا و این چیزها - به خودی خود خنده خواهد شد. اینها غالباً معلولند؛ علل، همان باورها و فرهنگها هستند که باید روی آنها کار بشود.

امیدواریم که خداوند ان شاء الله به برکت هدایت اسلامی و به برکت وجود فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) این توفیق را به زنان ما بدهد. در بین مسلمین و در فرهنگ اسلامی، زنی با این عظمت وجود دارد. خدای متعال می‌توانست بزرگترین و رفیعترین زن را در میان ملت‌های دیگر و امتهای سلف قرار بدهد - اشکالی هم نداشت؛ این کار می‌شد - اما در امت اسلام قرار داده است. این هم برای ما حجت و تنبیهی است که می‌توان این الگوی عالی و



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

والا را در مقابل چشم قرار داد و آن را دنبال کرد. ان شاء الله شما خواهران عزیز هم موفق باشید که این راه مهم را با قدرت و باصلابت بپیمایید و خداوند به شما هم توفیق عنایت کند.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته